

زمینه سازان ظهور

باور داشت انتظار راستین که اساس زمینه سازی برای ظهور آخرین حجت الهی است، پیشینه ای بس دراز و طولانی در تاریخ شیعه دارد. اگر چه این باور داشت در فرهنگ ها و ادیان گذشته نیز مورد توجه و اهتمام بوده است، ولی آن گاه به خود جهت گرفته و مصداق یافت که آخرین فرستاده ی الهی بر بام نبوت بانگ برآورد، انسان ها را به روزگاری سراسر نور نوید داده فرمود: هرگز دنیا به پایان نرسد، مگر اینکه امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود.^(۱) و اینک قرن ها از آن بانگ ملکوتی می گذرد، ولی هم چنان طنین دل نشین و امید بخش آن در گوش انسان هاست و این بشارت بزرگ، زندگی مردمان را در عصر پایدار و بلند انتظار، با تمامی فراز و فرودهای خود با تاریخی درخشان از نمودها و جلوه های فکری و عمل روزبه روز به آن دروازه ی روشنایی نزدیک می سازد. و آنچه در این رهیافت از ارزشی بس بلند برخوردار است، زمینه سازی برای ایجاد آن حکومت موعود است. و این زمینه سازی دارای مؤلفه هایی است که برخی از آن ها از این قرارند:

۱- شناخت منجی

اگرچه شناخت امام در هر زمان بر پیروان لازم و ضروری است، ولی آنچه که شناخت رهبر آخرین را از اهمیتی دو چندان برخوردار می سازد، شرایط زیستی در دوران آخرین حجت الهی است. ولادت پنهان، زیست پنهان و مقام پنهان و به دنبال آن آزمایش های سخت و دشوار زمان غیبت بر سختی این معرفت افزوده است. به ویژه که اصل شناخت امام خود بسیار دشوار و طاقت فرساست و مرغ اندیشه ی عموم مردم را توان پرواز تا آن قله ی رفیع نیست. پس آن کسی را که اراده ی زمینه سازی برای تشریف فرمایی آن یار سفرکرده است، به ناگزیر می بایست تا سرحد امکان به کسب معرفت بپردازد، به گونه ای که حاصل این معرفت و شناخت آن باشد که آن حضرت را دائماً ناظر و شاهد رفتار خود بداند. که اگر چنین شد تأخیر در ظهور، او را آسیبی نرساند. امام باقر (علیه السلام) فرمود: هرکس بمیرد و امامش را نشناخته باشد، مرگش مرگ جاهلیت باشد و هرکس که چهره در نقاب خاک بزد، در حالی که به امام خویش آشناست، زیانی به حال او نخواهد داشت، خواه این امر (ظهور) پیش افتد و یا دیر کند و هرکس از دنیا رود، در حالی که آشنا به امام خویش است، همانند کسی است که در خیمه ی قائم (علیه السلام) در خدمت آن حضرت باشد.^(۲)

اگر چه حضرتش در پس پرده ی غیبت و پنهان زیستی است، ولی هرگز از چشم معرفت و شناخت انسان ها پنهان و غایب نخواهد بود و آنچه از ما خواسته شد، دیدن آن حضرت با بصیرت و آگاهی است و نه با چشم سر، آن گونه که عده ای تمام همتشان در ملاقات با آن حضرت است. غافل از اینکه اگر معرفت به آن حضرت نباشد، دیدن ایشان فایده ی کاملی نخواهد داشت و کم نبودند



دارد، که هرگاه نام پیشوای قیام «قائم» ذکر می‌شود، به پا خیزد و آمادگی همه جانبه خویش را نشان دهد و این آمادگی را همیشه به خود و دیگران تلقین و در خود و دیگران تحکیم کند.^(۷)

۴- آمادگی برای خدمت به آن حضرت

آنان که وجودشان سرشار از لطف الهی است، اگر عصر ظهور را درک کنند، بزرگ‌ترین افتخارشان خدمت به ساحت بلند مهدی آل محمد (عج) خواهد بود. شاید باورکردن این سخن بسی مشکل باشد که رئیس مذهب شیعه هم او که هزاران دانشمند زانوی ادب و دانش جویی در محضر کلامش بر زمین می‌نهند و هم او که شاگردان ادبستانش عقابان تیز پرواز آسمان اندیشه و علم بودند، آن‌گاه که نام آخرین ذخیره‌ی الهی نزدش برده می‌شود، با حسرتی برآمده از عمق جان و آرزویی بی‌مانند آهی از نهاد برآورده، می‌فرماید: «لو ادرکته لَخَدُمْتُهُ ایام حیاتی»^(۸) اگر او را درک کنم، تمام روزهای زندگانی خدمت‌گزار او خواهم بود.

و هرکس بخواهد در آن روزگار خدمت حضرتش نصیب گردد، می‌بایست در روزگار غیبت هرآنچه از دستش برآید فرو نگذارد. بی‌تردید خادمان دوران ظهور همان خادمان دوران غیبتند.

۵- خودسازی و دیگر سازی

شکی نیست که دین داری در عصر غیبت از هرزمان دیگری مشکل‌تر و طاقت فرساتر است. در این دوران است که نگه داشتن ایمان، بسیار دشوار است، چرا که زمینه‌های ناباوری و انگیزه‌های انحراف و گریز از دین در این زمان بیش از همیشه است. و آنان که در این گرداب‌های مخوف، دین خود را حفظ نمایند، از شأن و رتبه‌ای بس رفیع برخوردار خواهند بود که پیامبر اکرم فرمود: ای علی بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین کسانی هستند که در واپسین روزگار می‌زیند، پیامبرشان را مشاهده نکرده و امامشان پنهان است، پس به سبب خواندن خطی بر روی کاغذ ایمان می‌آورند.^(۹)

حضرت مهدی (عج) شده بود، حضرتش به احترام ذکر نام مقدس حضرت قائم (عج) متواضعانه برخاسته، دست بر سر نهاد و برای فرج قائم آل محمد دعا فرمود.^(۵)

از امام صادق (عج) پرسیده شد چرا به هنگام شنیدن نام «قائم» لازم است برخیزیم؟ آن حضرت فرمود: برای آن غیبت حضرت طولانی هست و این لقب یادآور دولت حق‌ی آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست و لذا آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هرکس که او را با این لقب یاد کند، نگاه محبت‌آمیز می‌کند. از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده‌ی خاضعی در

و هر کس بخواهد در آن روزگار خدمت حضرتش نصیب گردد، می‌بایست در روزگار غیبت هرآنچه از دستش برآید فرو نگذارد. بی‌تردید خادمان دوران ظهور همان خادمان دوران غیبتند.

کسانی که همواره جمال پیامبر (ص) و ائمه (عج) را زیارت می‌کردند، ولی چون بهره‌ی معرفتی نداشتند، این دیدار سودی به حالشان نداشت. امام صادق (عج) در کمال تأکید، شیعیان را به شناخت امام زمان خود با این دعا توصیه فرمودند: «اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک، اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک، اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی»^(۳)

۲- اقتدا به امام غایب

پس از آنکه شناخت امام حاصل شد، شأن آن معلوم می‌گردد و چون چنین شد، انسان در برابر عظمت او تنها راه را اقتدا و اطاعت خواهد یافت. هم‌سو کردن رفتارها، نیت‌ها، جهت‌گیری‌ها طبق خواست رهبر، از مهم‌ترین ویژگی‌های رهروی است. حال اگر کسی در مرحله‌ی شناخت در حد ممکن راه معرفت را طی کرد، در مرحله‌ی اقتدا نیز دچار مشکل نخواهد شد. حال آن‌که اگر کسی در مرحله‌ی نخست دچار تردید و لغزش شد، در مرحله‌ی اطاعت هرگز پیرو خوبی نخواهد بود. پس از شناخت و معرفت خود امام، شناخت سیره و روش او نیز از اهمیت زیادی برخوردار است، چه اینکه وقتی صفات او خوب شناخته شد، در زندگی به کار بسته خواهد شد و در رسیدن به درجات کمال مؤثر خواهد بود. البته پنهان زبستی آن حضرت هیچ‌گونه مشکلی در اقتدا و اطاعت ایجاد نخواهد کرد، چرا که در عصر غیبت اراده و فرمان آن امام غائب در میان همه‌ی پندگاران جاری و نافذ است. دستوراتش را می‌بایست شناخت و فرمانش را گردن نهاد و این خود زمینه‌سازی برای هرچه بهتر درک کردن زمان ظهور است. چرا که اگر کسی اکنون به دستورات آن حضرت جامه‌ی عمل پوشاند، در زمان حضور و ظهور نیز چنین خواهد بود. رسول گرامی اسلام در این باره فرمود: خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» باریابد و حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد. بادوست او دوست و بادشمن او دشمن و مخالف است و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست است. اینان، هم‌نشین و دوستان من و گرامی‌ترین امت در نزد من هستند.^(۴)

۳- احترام و تکریم آن حضرت

از آنجایی که امام را حق بزرگ برگردن پیروان است، خداوند احترام او را بر همه‌ی پیروان لازم کرده است. از این رو هرآنچه مایه‌ی بزرگداشت او می‌شود، می‌تواند در ایجاد روحیه‌ی مناسب برای حضور مؤثر باشد، که هرآنکس در عصر غیبت حضرتش را احترام کرد، اگر عصر ظهور را دریابد، نیز چنین خواهد بود. ائمه‌ی معصومین (عج) به عنوان معلم انسان‌ها هرگز از این مهم غفلت نکرده‌اند و عظمت شأن آخرین معصوم (عج) آن‌ها را به تکریم و احترام واداشته است. در روایت است که وقتی دعبل خزاعی قصیده‌ای غزرا بر امام رضا (عج) خواند که در فرازهایی از آن اشاره به

مقابل صاحب عصر خود هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد، پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از خداوند مسألت نماید.^(۶)

علاوه بر حکمت ذکر شده، حکمت اجتماعی و اقدامی آن نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد. آمادگی افراد در هر آن برای «قیام» و مبارزه و جهاد در راه تحکیم عدالت جهانی، و حفظ حقوق انسان‌ها واجد اهمیت به سزایی است. شیعه‌ی منتظر بلکه هر مسلمان در عصر غیبت باید همواره دارای چنین هدفی باشد و در راه تحقق آن، به وسایل گوناگون بکوشد، و تا آن‌جا این آمادگی را داشته باشد و ابراز

پی‌نوشت‌ها:

۱. طوسی، ابوجعفر، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲، ج ۱۴۱
۲. نعمانی، ابن ابی زینب، الغیبه، ص ۴۷۴، ج ۵
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ج ۵؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶، ج ۶، شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲
۴. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۶، شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶
۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الانبیا، ص ۶۴۰، ج ۳
۶. همان، ج ۴
۷. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، ص ۲۶۴
۸. نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۵
۹. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۸، ج ۸